

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بحث از آیاتی است که از آن می‌توانیم مسئله برزخ را استفاده کنیم، یکی از آیاتی که به آن استدلال می‌شود بر وجود برزخ، بلکه بر جنت برزخی و بهشت برزخی، آیه شریفه 26 از سوره مبارکه یاسین است؛ از آیه بیستم شروع می‌شود که می‌فرماید «وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ، اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ، أَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِي الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً وَلَا يُنْقِذُونِي، إِنِّي إِذَا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ، إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِي» که شاهد در این آیه است «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ مَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ» آیه مربوط به داستان مؤمن آل یاسین است (نه مؤمن آل فرعون)، که خصوصیات که در مورد مؤمن آل یاسین در این آیه بیان می‌کند و جزئیاتی که در تاریخ هم نقل شده، رسولانی از طرف مسیح (علی نبینا و آله و علیه السلام) به شهر انطاکیه رفته بودند برای هدایت مردم، برای اینکه مردم را به دین مسیح دعوت کنند و مردم هم با اینها مخالف کردند. بعد این مؤمن آل یاسین از نقطه‌ی دوردستی آمد خودش را به همان مردم ملحق کرد و آن مردم را نصیحت کرد که به حرف این رسولان گوش بدهید و اندرز داد، اما آن رسولان موفق نشدند و مردم هم گوش به حرف آنها ندادند و آن رسولان را شهید کردند و کشتند، آنها را به شهادت رساندند و بعد این شخص را هم گرفتند و شهید کردند.

خدای تبارک و تعالی داستان این مومن آل یاسین یا مؤمن یاسین که معروف به همان حبیب نجار است را در اینجا نقل می‌کند که به این مؤمن گفته شد «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ» خطاب شد که وارد بهشت بشو! یعنی وقتی او را شهید کردند، بعد از شهادت این خطاب به او شد که وارد بهشت بشو، و بعد گفت «قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ» ای کاش قوم من می‌دانستند که من الآن در چه جایگاهی قرار دادم و خدای تبارک و تعالی به من چه عنایتی کرد «ما غفر لي ربي وجعلني من المكرميين» این شخص می‌گوید خدا دو کار در مورد من انجام داد، یکی اینکه من را مورد مغفرت و غفران خودش قرار داد و دوم اینکه من را از مکرمین قرار داد. در یکی دیگر از آیات شریفه قرآن هست که «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» آنهایی که ایمان و عمل صالح انجام می‌دهند، اثر ایمان و عمل صالح دو چیز است؛

1) مغفرت، 2) رزق کریم. اینجا هم این شخص می‌گوید خدا من را مورد غفران خودش قرار داد و من را جزء مکرمون قرار داد. اینجا مفسرین و از جمله مرحوم علامه رضوان الله علیه می‌فرمایند در قرآن دو گروه هستند که جزء مکرمون اند یعنی افرادی که مورد اکرام خدای تبارک و تعالی قرار می‌گیرند، یعنی خدا اینها را تکریم می‌کند و مورد احترام خدا قرار می‌گیرد که این مقام مکرم از مخلص، از ابرار، از متقین، از تمام اینها بالاتر است، ظاهر آیات این است که این يك مرتبه‌ای است که بسیار بسیار بالاست.

یعنی اشخاصی در روز قیامت مورد اکرام خدای تبارک و تعالی قرار می‌گیرند، آن دو گروهی که این وصف اکرام را دارند، یکی در مورد ملائکه‌ی الهی است «يَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ، لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ» خدا وقتی در مورد ملائکه می‌خواهد صحبت کند، می‌فرماید اینها عباد مکرم هستند و به امر خدا عمل می‌کنند، خودشان بدون اذن و اراده الهی کاری انجام نمی‌دهند، یعنی وقتی انسان به مقام مکرم رسید می‌گوئیم این اکرام خدا چه اثری دارد؟ اکرام خدا مثل اکرام دنیا است که يك امر تشریفاتی،

ادبی و تأییدی و احترامی است؟ می‌گوئیم نه، اگر انسان به مقام مُکرم رسید این می‌شود **لا یسبقونه بالقول و هم بأمره یعملون** فقط تحت اراده‌ی خدا در می‌آید، اراده او می‌شود اراده خدا. یعنی هر چه را که خدا بخواهد این اراده می‌کند.

بعد از اینکه این شخص را کشتند و از دنیا می‌رود، ظاهر آیه این است که از ناحیه خدای تبارک و تعالی خطاب می‌آید «**ادخل الجنة**» داخل بهشت بشو، اگر بعد از شهادت بلا فاصله خطاب آمد که تو داخل بهشت بشو، این بهشت قیامت نیست بلکه جَنّت برزخی است و قرینه‌اش این است که در روز قیامت همه از حال هم اطلاع پیدا می‌کنند، زید می‌فهمد که عمرو بهشتی است و عمرو می‌فهمد که زید جهنمی است، همه این را می‌دانند. اما در این آیه این مؤمن آل یاسین این آیه را می‌کند «یا لیت قومی یعملون **ما غفر لی ربی** و جعلنی من المکرمین» ای کاش قوم من می‌دانستند من که الآن شهید شدم و به این عالم آمدم، خدا هم مرا مورد غفران خودش قرار داده و هم مرا از مُکرمین قرار داده. این آرزو آنجایی معنا دارد که قوم هنوز خبر و اطلاعی ندارند، اگر بنا باشد مسئله مربوط به قیامت باشد، قیامت همه می‌دانند جهنمی‌ها از اوضاع بهشتی‌ها خبر دارند و بهشتی‌ها از اوضاع جهنمی‌ها خبر دارند، در قیامت نمی‌شود بگوئیم ای کاش جهنمی‌ها می‌دانستند ما کجا قرار داریم! و جهنمی‌ها هم بگویند ای کاش بهشتی‌ها بدانند که چه بر سر ما می‌آید، همه از حالات هم خبر دارند و آیات قرآن هم دلالت بر این مطلب دارد.

پس این فقط معنا پیدا می‌کند مربوط به عالم برزخ و دنیا. یعنی قومش هنوز در دنیا هستند، خودش شهید شده و بعد از شهادت این آرزو را می‌کند «یا لیت قومی یعملون **ما غفر لی ربی** و جعلنی من المکرمین» پس آیه ظهور خیلی روشنی دارد در جَنّت برزخی. مرحوم علامه رضوان الله علیه همین استفاده را کردند، مرحوم طبرسی، صاحب مجمع البیان هم این استفاده را کرده. مرحوم طبرسی این اضافه را هم دارد که آیه دلالت بر نعمت‌های برزخی می‌کند، یعنی در برزخ دو تا نعمت بسیار مهم وجود دارد؛ یکی غفران و مغفرت الهی، آنجا انسان طعم مغفرت الهی را می‌چشد که البته این غیر از مسئله شفاعت است. در باب شفاعت که به بحثش خواهیم رسید که در عالم برزخ اصلاً شفاعت وجود ندارد، شفاعت مربوط به عالم قیامت است، در شفاعت شخص گناهکار است و با همین حالت گناه از دنیا رفته. این غفران یعنی آمرزیده شده و از دنیا رفته، یعنی این شخص در دنیا مورد غفران و آمرزش خدا قرار گرفته و بعد از دنیا رفته، لذا بین مغفرت و بین مسئله شفاعت فرق وجود دارد. مغفرت مال جایی است که انسان در دنیا مورد غفران الهی قرار می‌گیرد منتهی اثرش را در عالم برزخ می‌بیند، اثرش را انسان اینجا متوجه نمی‌شود بلکه اثر این مغفرت در عالم برزخ روشن می‌شود و نعمت دومی که مربوط به جَنّت برزخی است نعمت اکرام است «وجعلنی من المکرمین» خدا من را جزء مُکرمین قرار داده.

مرحوم طبرسی هم گفته اگر ما از آیات جَنّت برزخی را استفاده کردیم قرینه می‌شود که پس عذاب برزخی هم داریم، نمی‌شود بگوئیم برزخ فقط اختصاص به نعمت‌ها دارد، ما بهشت برزخی داریم ولی جهنم برزخی نداریم، نه! اگر ما از این آیه شریفه جَنّت برزخی را استفاده کردیم باید عذاب برزخی را هم استفاده کنیم.

بنابراین قائل این «قیل» را خدای تبارک و تعالی یا ملائکه الهی بگیریم و بگوئیم «ادخل الجنة» بعد از مُردن و شهادت است. در این آیه دو احتمال دیگر وجود دارد؛ یکی این است که «قیل ادخل الجنة» یعنی وقتی که از دنیا رفت روز قیامت به او می‌گویند «ادخل الجنة» اما الآن به او نمی‌گویند ادخل الجنة، وقتی که روز بعث و روز قیامت می‌شود، به این آدم می‌گویند تو برو داخل بهشت بشو و بعد این هم بگوید «قال یا لیت قوم یعملون **ما غفر لی ربی**» اشکالش این است که این «یا لیت یعملون **ما غفر لی ربی**» مربوط به جایی است که قوم خودشان در دنیا باشند، اگر بنا باشد «ادخل الجنة» خطاب در روز قیامت باشد، قومش هم می‌دانند که این بهشتی شده. از آیات شریفه قرآن استفاده می‌شود یکی از عذاب جهنمی‌ها این است که می‌فهمند در بهشت چه خبر است و چه لذت‌هایی وجود دارد؛ اینها در چه شأن و جایگاهی قرار دارند، خود همین که می‌فهمند دیگرانی که در دنیا ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند در چه جایگاهی هستند اما این بدبخت‌های بیچاره در چه جایگاهی قرار دارند، خود همین یک عذابی برای اهل جهنم است، پس نمی‌شود ما بگوئیم آیه مربوط به خطاب در روز قیامت است، این «قیل ادخل الجنة» ظهور در این دارد که تا این مؤمن آل یاسین شهید شد «قیل ادخل الجنة» داخل در بهشت بشو، پس باید بهشت در این آیه را به بهشت برزخی معنا کنیم.

احتمال سومي هم در آيه شريفه وجود دارد و آن اين است كه قائل «قِيلَ» همان قومي بودند كه اين شخص را به شهادت رساندند! بگوئيد آنها به چه مناسبت به اين مي‌گويند «ادخل الجنة» از باب استهزاء مي‌گويند. اين رفته بود به آن قوم گفته بود كه ايمان بياوريد و هر كسي ايمان بياورد و از اين دنيا برود خدا برايش بهشت آماده کرده، اينها هم استهزاء مي‌گويند «ادخل الجنة» اين هم بسيار خلاف ظاهر است كه ما قائل اين «قِيلَ» را قوم قرار بدهيم و آنها بگويند «ادخل الجنة» بعد اين بگويد «قال يا ليت قومي يعلمون [ما غفر لي ربي](#)» و اين سازگاري ندارد با اينكه قائل خود قوم باشد. اينها اگر بگوئيم استهزاء مي‌گويند كه تو داخل بهشت بشو و خود اين شخص هم مي‌گويد «يا ليت قومي يعلمون ما غفر لي ربي» ظهور در اين دارد كه اين «ادخل الجنة» جزايي است كه خدای تبارك و تعالي به اين شخص مي‌دهد نه اينكه بگوئيم آنها استهزاء مي‌كنند، اگر آنها استهزاء كردند چه مناسبتي بين استهزاي آنها و اين قال يا ليت قومي يعلمون دارد؟ مناسبتي وجود ندارد، لذا پس مجموعاً در اين آيه شريفه سه احتمال داده شد.

احتمال اول اينكه قائل اين «قِيلَ» خدای تبارك و يا ملائكه الهي است كه به او مي‌گويند «ادخل الجنة» بعد از اينكه شهادت به سراغش آمد. بلا فاصله بعد از اينكه موت يا شهادت به سراغش آمد اين را به او مي‌گويند. البته روي همين احتمال هم دو صورت وجود دارد يكي اينكه اين را به صورت خطاب لفظي به او مي‌گويند و يك صورت اينكه طبق آيه «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» بگوئيم مُردن همانا و دخول بهشت هم همانا، نه اينكه حالا مُرد و بعد خطاب بيايد ادخل الجنة، خير! شهادت همان و دخول در بهشت همان. علي اي حال اين احتمال اول است كه عرض كردم خودش دو جور تفسير دارد؛ احتمال اول اينكه بگوئيم قائل خدا يا ملائكه باشد و بعد از شهادت به او مي‌گويند ادخل الجنة و اين هم وارد بهشت مي‌شود و بهشت برزخي را مي‌بيند و بعد مي‌گويد «يا ليت قومي يعلمون [ما غفر لي ربي](#) و جعلني من المكرمين» اين دو نعمت را مي‌بيند و آرزو مي‌كند كه اي كاش قوم من مي‌دانستند عاقبت اين است و دست از اين انكار و مخالفتشان با پيامبران برمي‌داشتند. طبق اين احتمال از آيه برزخ استفاده مي‌شود اولاً. جَنَّتْ برزخي استفاده مي‌شود ثانياً.

اما احتمال دوم اين است كه اين «ادخل الجنة» بعد از موت نيست بلكه روز قيامت است، روز قيامت به اين شخص مي‌گويند داخل بهشت بشو. گفتيم اين با قسمت بعد سازگار ندارد «يا ليت قومي يعلمون [ما غفر لي ربي](#)».

احتمال دوم اين است كه بگوئيم قائل «قِيلَ» قوم هستند و نه خدا و ملائكه الهي، ادخل الجنة استهزاء از طرف آنها گفته مي‌شود كه گفتيم اين هم با بعد از آن سازگاري ندارد و خيلي خلاف ظاهر است.

پس روشن شد به نظر ما با وجود اينكه سه احتمال در اين آيه شريفه هست احتمال اول اظهر است و دلالت بر برزخ و بهشت برزخي دارد.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين